

به نام خدا

خلاصه درس ۱

سهند جهانی حیدرلو

انسان شناسی اسلامی

استاد میرسیدی

انسانشناسی را از حیث روش بر چهار قسم میدانند: دینی، فلسفی، عرفانی و تجربی. براساس این تقسیم، پاره‌های از علوم تجربی همچون روانشناسی و جامعه‌شناسی و بخشی از برخی علوم تجربی مانند فیزیک و زیست‌شناسی که درباره انسان به بحث می‌پردازد، ذیل انسانشناسی تجربی جای می‌گیرند. آنچه عرفا با کشف و شهود درباره انسان می‌یابند، انسانشناسی عرفانی نامیده می‌شود.

علم و شناخت مقدمه همه امور است. مهمترین و ضروری‌ترین شناخت برای آدمی شناخت خود است و تا کسی بدین مهم نایل نگردد، نمی‌تواند به شناخت دیگر موجودات دست یابد.

بحران هویت انسان، از خود بیگانگی، بالا رفتن آمار بیماری‌های روانی و خودکشی، بی‌بندوباری، سست شدن اخالق و روابط عاطفی انسانها و نیز پیدایش دو جنگ بزرگ اول و دوم جهانی که به ویرانی اروپا و کشته شدن میلیون‌ها انسان انجامید، از جمله عواقب دهشتناک تفکر جدید در باب انسان بود.

آنچه دین درباره انسان می‌گوید، انسانشناسی دینی است. در انسانشناسی دینی از تحلیل‌های عقلی و داده‌های شهودی و تجربی نیز استفاده می‌شود، اما شاخصه اصلی انسانشناسی دینی، استناد به منابع معتبر دینی است. انسانشناسی دینی به دلیل بهره‌گیری از منابع وحیانی، صحیحترین و کاملترین مکتب در شناخت انسان است.

در اهمیت انسانشناسی همین بس که بدانیم بدون انسانشناسی، سه محور اصلی اندیشه بشری یعنی خدا، جهان و انسان تبیین نخواهد شد. انسانشناسی، مقدمه خداشناسی، الزمه جهانشناسی و ضرورت انکارناپذیر دستیابی انسان به کمال و سعادت حقیقی است.

در تحلیل این مشکلات باید گفت عقل منقطع شده از وحی و تحویل شده به تجربه تنها به جسم انسان می‌نگرد و از واکاوی نفس و جان آدمی ناتوان است. این عقل اگر هم درمورد نفس بحث کند، آن را به بدن و ویژگی‌های آن تحویل خواهد کرد. بدین ترتیب با کنار گذاشتن وحی و عقل مرتبط با آن، حقیقت انسان نیز کنار نهاده می‌شود و انسان پدیده‌های همچون دیگر پدیده‌ها در نظر گرفته خواهد شد.

بی تردید راهحل این مشکلات استفاده از عقل معطوف به وحی است؛ عقلی که می‌باید از تجربه نیز بهره‌مند باشد. بنابراین نباید انسان را به یکی از ابعادش محدود کرد، بلکه می‌باید همه توانمندی‌های او را به رسمیت شناخت.